



انتشارات مستضعفین

وابسته به آرمان مستضعفین

از گان عمیق - سیاسی سازمان رزمت گان پیغام مستفین ایران

تحلیلی از:

نقش و تاثیر مانورهای سیاسی،

اقتصادی، نظامی آمریکا در ایران

قیمت: ۲۵ ریال

«الدمع اللطيف المستعفين»

تحوالات و رویدادها و کشور ایران، پس از پیروزی انقلاب ضد استبدادی، سایر تحولات منطقه را به شدت تحت الشعاع خویش قرار داده است. روزی نیست که اتفاقی جدید و حادثه‌ای بدیع، اندمان عموم را به این منطقه از جهان مطوف ندارد. بخصوص از زمان اشغال سفارت آمریکا در ایران، توسط دانشمندان که بعد جدیدی به طرف حاکم بر حرکت منطقه بخشیده است. لذا کلیه مسائلی که در جامعه ما حادث میگردد و تمامی پارامترهایی که به پارامترهای گذشته اضافه میشوند، اعم از مسائل داخلی (لیبرالیسم و ارتجاع، انتخابات مجلس شورا، کردستان، دانشگاه و انقلاب فرهنگی و...) و مسائل خارجی (قطع رابطه با آمریکا، تعرض عراق به ایران، نفوذ نظامی آمریکا به ایران و...)، باید در ارتباط مستقیم با امپریالیسم آمریکا مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند.

ما تاکنون، نسبت به کلیه مسائل و تحولاتی که ایران را صحنه بروز ورخ نمایی و عرصه ناخت و تاز خویش قرار داده‌اند، تحلیل‌ها و ارزیابی‌هایی به عمل آورده‌ایم. اما اینک بر آن شده‌ایم که در

۳- لیستی از این تحلیل‌ها بعد از واقعه سفارت عبارتند از:

۱- تحلیل‌هایی از اوضاع جاری مملکت (آرمان مستعفين)

شماره‌های ۱۸، ۲۶، ۲۷، ۲۸

۲- مجلس و مردم (آرمان مستعفين ۳۳)

۳- آمریکا از مسئله شاه چگونه سود می‌برد؟ (آرمان مستعفين ۳۳)

۴- ارتجاع یا لیبرالیسم کدامین؟ (آرمان مستعفين ۳۱)

۵- شاه در کنار سادات (آرمان مستعفين ۳۳)

۶- ارتجاع و لیبرالیسم موانع مبارزات ضد امپریالیستی - ضد

استعماری توده‌ها (آرمان مستعفين ۳۳)

ادامه تحلیل‌های گذشته، تحلیل جدیدی ارائه دهیم که علاوه بر در نظر داشتن پارامترهای جدید پس از نفوذ نظامی آمریکا به ایران، یک جمع بندی از کلیه مسائل اتفاق افتاده باشد.

بعد از پیروزی مردم در مبارزه ضد استبدادی و بعثت عدم تداوم و استمرار انقلاب در بعد مبارزه ضد امپریالیستی و هم چنین عدم حاکمیت نیروهای پمردی، دستاوردهای مبارزه ضد استبدادی، بدست ارتجاع و لیبرالیسم افتاد و وارثان اصلی انقلاب (یعنی تودها) از دستیابی آنها محروم ماندند. انحصار طلبی ها، فردگراییها و محافظه کاریهای ارتجاع و لیبرالیسم ثمرات انقلاب را رو به نابودی کشانید و در عین حال، آنان تمامی تلاش خویش را در جهت حفظ این دستاوردها بکارگرفته تا آنان را صیانت کنند.

۷- چگونگی مبارزه اصولی با امپریالیسم آمریکا؟ (آرمان مستضعفین)

(۳۴)

۸- قطع رابطه با آمریکا نوید بخش پیروزی یا شکست؟ (آرمان

مستضعفین ۳۴)

۹- لیبرالیسم مذهبی دگم و تاکتیک‌های مزورانه‌اش (آرمان

مستضعفین ۳۴)

۱۰- چگونگی انگیزه نفوذ نظامی آمریکا به ایران (آرمان مستضعفین

(۳۵)

۱۱- انقلاب فرهنگی با کدامین فرهنگ، اسلام دگماتیسم یا

اسلام تطبیقی؟ (آرمان مستضعفین ۳۵)

هم چنین جزوات:

۱- مواضع کارتر و ریشه یابی آنها در منافع طبقه حاکمه آمریکا

۲- تعرض جدید عراق به ایران و آبی که به آسیاب صهیونیسم

امپریالیسم میریزد

۳- تعرض ارتجاع به دانشگاه، سرازور دوران سیاه قرون وسطایی

در ایران.

تضادهای آشتی ناپذیر هیئت حاکمه که می‌بایست با امپریالیسم آمریکا باشد، بعلت نبود مبارزه بر علیه امپریالیسم، مبدل به تضاد میان آنان با خلق گردیده و آنها را با خلقها رودر روی قرار داد، چرا که تضاد آشتی ناپذیر اولیه، بواسطه محافظه‌کاری و ماهیت هیئت حاکمه تشکیل یافته از ارتجاع و لیبرالیسم، با امپریالیسم آمریکا شکل نگرفت. از اینرو است که می‌بینیم، هیئت حاکمه از آغاز برخوردار آنتاگونیسمی و تضاد عمده خویش را با خلق‌ها قرار داد. اسلحه‌ای که می‌بایست سینه آمریکا را چاک کند و بدرد، روبه سینه خلقهای مستضعف ایران از جمله خلق کرد، بلوچ، ترکمن و... گرفت و سینه آنان را آماج گلوله‌های خویش قرار داد و علیرغم هشدار نیروهای مترقی از جمله طالبانی که گفت دست از تضاد با خلق‌ها بردارید و تمامی هم خود را در مبارزه با امپریالیسم بکار گیرید، باز هم کشت و گشتار و جنگ و خونریزی و قتل عام و... ادامه یافت و این تبدیل تضادهای آشتی ناپذیر از امپریالیسم آمریکا به سوی خلقهای مستضعف و تحت ستم، باعث گردید که تضادهای داخلی اوج یابند و در این میان، بیشترین سود نصیب امپریالیسم گردید. زیرا رویارویی با توده‌ها و جنگ و ستیز با آنان، دیگر جایی برای انقلاب در ارتش و نهادهای بوروکراتیک و تکنوکراتیک نمی‌گذاشت و بسیج توده‌ای که عمده‌ترین مسئله در راه برخورد عدمی با امپریالیسم آمریکا بود و می‌توانست در این سه نهاد که جای پای محکمی از برای آمریکا بودند (میلیتاریزم - بوروکراسی - تکنوکراسی)، انقلاب و تحولات بنیانی صورت دهد، تبدیل به تفرقه اجتماعی و تشتت توده‌ای گردید.

بنابراین، بواسطه عدم استمرار مبارزه اصولی ضد امپریالیستی، در پی پیروزی بر استبداد، باعث گردید که زمینه مناسبی برای رشد تضادهای داخلی و متعاقب آن جریانات گوناگون اجتماعی، از جمله حمله به کردستان گرفته تا واقعه اشغال سفارت و... پیش آید، لذا استکه تمامی تحلیل‌ها نسبت به وقایع داخلی و خارجی در رابطه با ایران، متصل به نقش و عملکرد امپریالیسم است و باید این نکته را پیوسته در

۱ - واقعه سفارت نقطه عطفی در تحلیل اوضاع جاری در رابطه با امپریالیسم آمریکا :

واقعه سفارت ، که در پی تصمیم ارتجاع مذهبی برای خلع پایگاه لیبرالیسم مذهبی صورت گرفت ، نقطه عطفی است که پیوسته نهضت مسائل موجود میان ایران و امپریالیسم آمریکا را در دست دارد و دستاویزی گشته است که جهانخوار آمریکا ، ترک تازیهای خویش را اعم از سیاسی ، اقتصادی ، و نظامی ، بدین وسیله توجیه کند .

در بررسیهای گذشته یادآوری نموده ایم که لیبرالیسم بهترین جای پا برای امپریالیسم آمریکاست ، چرا که از تشکل کافی برخوردار بوده و دارای روحیه محافظه کاریست و گذشته از همه اینها نماینده جناح بورژوازی در داخل کشور است .

قدر مسلم اینکه پس از پیروزی انقلاب ارتجاع مذهبی وارث میراثهای انقلابی گردید و این امر بواسطه پایگاه وسیع توده ای آن بود و مردم بعزت اعتماد و اطمینان واقعی که نسبت به این گروه داشتند از حاکمیت آنان استقبال کردند ، اما ارتجاع مذهبی تشکیلات نداشت و چون نمیتوانست این حاکمیت را تمام و کمال اعمال کند ، دست به دامن لیبرالیسم مذهبی گردید ، یعنی همان گروهی که امپریالیسم چشم امیدش را به آنها دوخته بود تا از این طریق منافع کوتاه مدت خود را در منطقه محفوظ بدارد . البته قبل از پیروزی انقلاب ، امپریالیسم میکوشید که با تکیه بر لیبرالیسم غیر مذهبی ، اهداف خود برسد ، ولی پس از اینکه دید این نوع از لیبرالیسم مورد قبول توده های مردم نیست ، سعی نمود که پس از انقلاب به لیبرالیسم غیر مذهبی تکیه کند و از آغاز بر آن بود که به ارتجاع مذهبی اهمیت نداد و برای آن پرستیژی قائل نشود ، لذا اگر میخواست تماسی هم با آنان حاصل کند ، اینکار را از طریق لیبرالیسم

منظور از لیبرالیسم غیر مذهبی ، بختیار و کابینه اوست .

مذهبی ، انجام میداد * * * زیرا ، پرستیزی را که از نقطه نظر تشکیلاتی و ارزشی برای لیبرالیسم قائل بوده برای اینان قائل نبود .

این امر باعث گردید که ارتجاع مذهبی ، تمامی هم و غم خویش را معروف غالبیت پرستیژی خود بر لیبرالیسم مذهبی کند و خود را روبروی آمریکا قرار داده و منیت خویش را به اثبات رساند و به گوید که من هم وجود دارم !

رفته رفته ارتجاع مذهبی توانست از لیبرالیسم مذهبی تشکیلات کسب کند و به موازات اینکه این اخذ تشکل بیشتر و بیشتر می گردید ، آنان را به این ذکر و امیداشت که لیبرالیسم را از صحنه بدر کند و خود تمرکز قدرت را بدست گیرد ، لذا به مراتبی که احتیاجیون نیاز او به لیبرالیسم کمتر میگردد ، تضاد او با آنها تشدید میشد و بالاخره این تضادها شدت یافت تا واقعه سفارت را به وجود آورد .

البته تضاد میان ارتجاع و لیبرالیسم مذهبی تنها یک بعد از ابعاد قضیه سفارت را تشکیل میدهد (اما بعد آنرا) ، هر این میان ابعاد دیگری نیز وجود دارند که باید مورد مذاقه قرار گیرند . این ابعاد عبارتند از رشد تضادهای داخلی و عدم توانایی مقابله ارتجاع با خلقها ، خصوصا خلق کرد ، احتیاج ارتجاع مذهبی به بسیج توده ای برای تصویب قانون اساسی ارتجاعی و بالاخره دل سرد شدن توده ها از مملکت که محافظه کارانه هیئت حاکمه در روبرویی با آمریکا که این مسئله آنان را بسوی کشف حقایقی می کشانید .

از این روست که می بینیم ارتجاع مذهبی تصمیم به عمل گرفت تا از این طریق با یک تیر ، چند نشان بزند .
گروگان گیری در سفارت آمریکا ، ستیز مستقیم ارتجاع مذهبی را

* * * پاشاره به تناس آمریکا با بعضی از اعضای شورای انقلاب ، توسط بازرگان است .

* * * عمل ارتجاع ، همان خلق قدرت لیبرالیسم مذهبی و علم کردن شعار با سمه ای مبارزه ضد امپریالیستی است .

بالیبرالیسم مذهبی نمایان میسازد، چرا که در حقیقت ارتجاع مذهبی بواسطه خصوصیت انحصارطلبی اش حتی نسبت به پایگاه مردمی، از این امر وحشت داشت که مبادالیبرالیسم مذهبی (انطباقی) * پایگساز مردمی بدست آورد و لذا بهتر بتواند قدرت را در چنگ خویش حفظ کند. عبارت دیگر میتوان گفت که ارتجاع و لیبرالیسم پس از پیروزی مبارزه ضد استبدادی، هر دو فاقد استراتژی در برنامه های اصولی استراتژیکی بودند، که این برنامه ها بدون تردید عبارتند از مقابله آنتاگونیسمی با امپریالیسم و در ظل آن مقابله با نهادهای داخلی یعنی ارتش، ماشین عظیم بوروکراسی و هم چنین تکنوکراسی و بالاخره از بین بردن سرمایه داری وابسته و افشای تمامی قراردادهای، بنابراین هم لیبرالیسم مذهبی و هم ارتجاع مذهبی در فقدان برنامه اصولی و استراتژیکی مشترک هستند. اما تفاوت عمده این دوازده آغازنداشتن تشکیلات ارتجاع مذهبی است که بدینوسیله به لیبرالیسم مذهبی محتاج گردید، زیرا لیبرالیسم (نماینده جناح بورژوازی) دارای تشکیلات و در امر اداره مملکت دارای تجربیاتی میباشد.

بهر حال ارتجاع مذهبی بر آن است که در سایه اشغال سفارت، محافظه کاریهائی که خود همگام با لیبرالیسم مذهبی انجام داده بود، بحساب لیبرالیسم بگذارد و از این مسئله استفاده کرده و تمامی افشاگریهای سفارت را در رابطه با لیبرالیسم قرار دهد و نقطه عطف این محافظه کاریهای لیبرالیسم هم ملاقات بازرگان با برزیل در جشن سالگرد انقلاب الجزایر است،

که این مسئله مستمسکی گردید تا ارتجاع عملیات خویش را آغاز کند. همانگونه که قبلاً گفته شد، تضاد ارتجاع با لیبرالیسم یک بعد مسئله را تشکیل میدهد و مسئله ابعاد دیگری هم دارد، یکی از این مسائل رشد اصولی تضادهای داخلی بود که از جمله این تضادها، قیام

* - رجوع شود به مقاله "لیبرالیسم مذهبی دگم و تاکتیک های مزورانه اش"

"آرمان مستضعفین شماره ۳۴"

ناتوانی را میتوان نام برد. ارتجاع برای اینکه این تضادهای را در روند افزایش قرار دهد، (بویژه تضاد خلق کرد با هیئت حاکمه) ، یک مبارزه (کامیابی) شد. امپریالیسم را اعلام کرد تا در ظل آن به بسیج توده‌ها دست زد و در اینکار موفق هم گردید و توانست تضادهای داخلی را کاهش دهد.

در این باره امر دیگری که در اینجا قابل ذکر است ماهیت دانشجویان احوال‌کننده سفارت می‌باشد که اینان در آغاز خود را مستقل‌چندانستند اما از همان اوان کار از حمایت شدید ارتجاع مذهبی برخوردار گردیدند تا جاییکه ارتجاع مذهبی دیگر در یک حاد و مدافع ، بلکه گرداننده اصلی مواجع آنها گردید و بعبارت دیگر ، این دانشجویان مهرهای شدند در دست ارتجاع مذهبی تا ارتجاع بتواند توسط آنها به اهداف خود دست یابد.*

ماحصل اینکه ارتجاع مذهبی توانست با واقعه سفارت و بر اساس انحصار طلبی‌های خویش، لیبرالیسم را خلع پایگاه کند و خود کانونهای قدرت را متمرکز کرده و در دست گیرد ، با کنار رفتن لیبرالیسم ، آمریکا به این نتیجه رسید که منافع کوتاه مدتش در منطقه که توسط لیبرالیسم صیانت می‌گردید به مخاطره افتاده است ، گرچه ارتجاع مذهبی در دراز مدت منافع او را تامین مینمود ، اما چون امپریالیسم آمریکا منافعش را در کوتاه مدت از دست رفته میدید ، این بود که برنامه‌های خویش را آغاز کرد .

۲- برنامه‌های امپریالیسم آمریکا پس از غالبیت ارتجاع مذهبی بر لیبرالیسم مذهبی ؛

امپریالیسم آمریکا پس از ناامیدی از لیبرالیسم مذهبی بعلت مغلوبیت این جناح در مقابل جناح ارتجاع مذهبی ، برنامه‌های مانوری خویش را

* سبرای توضیح بیشتر به : "تحلیلی از اوضاع جاری مملکت"

مراجعة کنید ، (آرمان مستضعفین ۱۸)

در سه صورت سیاسی، اقتصادی و نظامی، آغاز نمود.

پروسه مانور سیاسی آمریکا از شکایت به سازمان ملل متحد شروع شده و با پیام سازشکارانه کارتر به رهبر انقلاب ختم میگردد. پروسه مانور اقتصادی اش از بلوکه کردن پولهای ایران در بانکهای آمریکا شروع شده و تا تحریم اقتصادی ادامه می یابد. و بالاخره پروسه مانور نظامی آمریکا از آمدن ناو هواپیما کانستلیش به سوی اقیانوس هند تا نفوذ نظامی آمریکا به ایران طول میکشد.

آمریکا در ظل این سه رابطه تلاش خویش را برای بازگرداندن پرستیژ از دست رفته اش از سر گرفت، انقلاب ایران و سقوط ژاندارم پیر منطقه و خلاء ژاندارمیت، تسخیر سفارت آمریکا در ایران و متعاقب آن تسخیر سفارت این کشور در لیبی، افغانستان و ترکیه همه و همه باعث گردیدند که افسانه قدرت آمریکا در اذهان عموم خرد گردد و این توهم را به وجود آورد که نه تنها میتوان با دم شیر بازی کرد که میتوان آن را از جا کند.

الف - مانور سیاسی:

مانور سیاسی وسیله نهایی و اصلی امپریالیسم نبود، یعنی آمریکا نصیخواست توسط مانور سیاسی به اهداف خویش دست یابد، بلکه صرفاً از مانورهای سیاسی برای ساختن زمینه مناسب جهت اعمال مانورهای اقتصادی و نظامی سود می جست.

مانور سیاسی آمریکا، مرحله به مرحله انجام گرفت، اولین مرحله این فرایند را میتوان اقدامات آمریکا در سازمان ملل دانست. وی اگر چه میدانست که طرح این مسئله در شورای امنیت باوتوی شوروی روبرو میشود، اما برای اینکه مظلومیت خویش را به جهانیان اعلام دارد و پس از نشان دادن این چهره مظلوم، مشروعیت برای مانورهای اقتصادی و نظامی خویش بدست آورد، به چنین عملی دست یازید. لذا سکه با بررسی مانورهای مختلف آمریکا به این حقیقت میرسیم که قبل از عملکرد اقتصادی و نظامی، آمریکا یک عملکرد سیاسی داشته است. بعنوان نمونه، شکایت آمریکا از ایران در سازمان ملل متحده بلافاصله عمل اقتصادی بلوکه

کردن پولهای ایران در بانکهای آمریکا و پس از آن ورود ناوکانستیلیشن به آبهای اقیانوس هند را در پی دارد. و با پیام سازشکارانه کارتر* به رهبر انقلاب قبل از تحریم اقتصادی ایران و نفوذ نظامی آمریکا به خاک ایران صورت میگیرد.

بنابراین مانورهای سیاسی آمریکا، زمینه ساز مانورهای اقتصادی و نظامی او بودند.

یعنی آمریکا قبل از اینکه به مانور اقتصادی، نظامی دست بزند سعی میکند تا باتمسک جستن به سیاست، مظلومیت و مشروعیتی برای خویش کسب کند.

ب- مانور اقتصادی:

عمده ترین حربه ای که میتوانست آمریکا را به مقاصد خویش برساند، مانور اقتصادی بود، زیرا برای او بخوبی روشن بود که دیگر پس از شکست در جنگ ویتنام، نمیتواند حمله نظامی کند، به خصوص نسبت به ایران که طویل ترین مرز را با ابرقدرت شرق دارد، لذا استکه دست به تحریم اقتصادی ایران زد. منظور آمریکا از دست یازیدن به مانورهای اقتصادی، پی گیری اهداف سه گانه زیر بود:

اول- درانزوا قرار دادن انقلاب ایران؛

برای این منظور آمریکا به تحریم اقتصادی ایران دست زد تا کشور ایران را که از نقطه نظر اقتصادی وابسته تمام عیار به امپریالیسم آمریکاست تحت فشار قرار

*- نکته در خور توجه اینکه کارتر پس از فرستادن پیام برای رهبر انقلاب سعی نمود که چهره خویش را مخفی کرده و از قضیه کنار کشد و کاری ننهد که توده های آمریکا از این سازشکاری او به خشم آیند. گرچه اینان فهمیدند که پیام را خودکارتر فرستاده است، اما وی در رابطه با تبلیغات داخلی سعی میکرد که خود را از این مسئله کنار کشد و ناراحتی ملت آمریکا را که ناشی از کاهش پرستیژ قدرت آمریکا بود، تشدید نکند.

دهد و بدین وسیله تضاد میان جناح لیبرالیسم مذهبی دکماتیست و ارتجاع مذهبی را تشدید کند، که در نهایت تشدید تضادهای داخلی ایران کمک همه جانبه‌ای در به محاق کشیدن انقلاب ایران دارد، زیرا کشور که از نظر اقتصادی دارای مشکلات عدیده بوده و دچار تضادهای داخلی است، دیگر توجهی به انقلاب نخواهد داشت.

دوم - آزمایش کشورهای اروپایی غربی و ژاپن و یا کشورهای عضو بازار مشترک در رابطه با هماهنگی آنها با آمریکا؛

یکی از بزرگترین خواسته‌های آمریکا در تحریم اقتصادی ایران این بود که این کشورها با او همکاری و همگامی کنند، علت این امر آن است که از نظر نظامی آمریکا هر بلوک غرب برتری همه جانبه‌ای دارد، در حالیکه از نقطه نظر اقتصادی، کشورهای اروپای غربی و ژاپن بر آمریکا برتری جسته‌اند، لذا آمریکا با این عمل، یعنی همفازی و همگامی کشورهای مشترک المنافع، در نظر داشت، برتری اقتصادی خود را به اثبات رسانده و از سوی دیگر پرستیژی برای خود کسب نماید. لذا اینکار را به تنهایی انجام نداد بلکه در کنار بدست آوردن حمایت کشورهای مزبور، مانور نظامی را نیز شروع نمود، تا بدین وسیله بار دیگر اعلانیّت و برتری نظامی خویش را به اروپا گوشزد نماید، تا آنان دست از همفازی با آمریکا برندارند.

پس هدف آمریکا از انجام مانور نظامی در کنار مانور اقتصادی، بدست آوردن حمایت کشورهای بلوک غرب از تحریم اقتصادی وی علیه ایران و کسب پرستیژ قدرت در این رابطه بود.

سوم - تثبیت سلطه اقتصادی توسط سلطه نظامی؛

بالاخره سومین هدفی که آمریکا از مانور اقتصادی تبعیت مینمورد تثبیت سلطه اقتصادی خویش در جهان بود که همانگونه که فوق‌العنوان گردید این امر را بواسطه مانور نظامی انجام داد، البته لازم است توضیح است که در مورد بالا نظر آمریکا نشان دادن سلطه نظامی برای همفاز کردن کشورهای اروپای غربی در تحریم اقتصادی با وی

بود، در حالیکه در اینجا منظور آمریکا همان دادن قدرت اقتصادی
اش به تمام جهانیان است.

ج - مانور نظامی،

بیش از این گفتیم که آمریکا منظور اصلی اش برای گوشمالی
دادن ایران، وارد شدن از طریق اقتصادی بود. چرا که بواسطه
شکست در جنگ ویتنام هم خود او و هم دیگر کشورهای جهان
میدانستند که از طریق حمله نظامی وارد شدن، سودی ندارد، البته
در مورد کشور ایران وضع تفاوت داشت و اینجا پارامتر دیگری
موجود بود که وزنه را به سود ایران تغییر میداد، این پارامتر اساسی
عبارت بود از، همسایه شمالی ایران، کشور شوروی.

در اینجا سئوالی مطرح میگردد و آن اینکه علیرغم آگاهی
آمریکا به مسئله فوق (یعنی فراهم نمودن زمینه برای حمله نظامی
به ایران) چرا آمریکا به مانور نظامی خود داخل خاک ایران دست
زد و اینکار برای آمریکا چه فوایدی داشت؟

عمده ترین مسائلی که در رابطه با مانور نظامی برای آمریکا
مطرح بوده عبارت بودند از:

اول - بالا بردن پرستیژ آمریکا در جهان: همانگونه که قبلاً
هم گفته شد، اشغال سفارت آمریکا در ایران و غلاء ژاندارمیت در
منطقه بواسطه سقوط شاه، همه باعث گردیدند که پرستیژ
آمریکا در اذهان جهانیان خرد شود، لذا آمریکا توسط حمله نظامی
تصمیم گرفته بود تا بار دیگر قدرتش در نظامی خویش را نشان دهد.

از این رو طرح نفوذ نظامی در ایران از جانب خود آمریکا بیانگر
این است که آمریکا مایل بود که جهان بدانند به داخل ایران
نفوذ نظامی کرده است، چرا که اگر خواست می توانست، نیروهای
خود را حتی پس از تصادف (هواپیما با هلی کوپتر)، بدون اینکه
ایران بفهمد، از منطقه خارج کند و بر مسلم تبلیغات هیئت حاکمه
بر روی قدرت ارتش ایران که بدینوسیله نیروهای ارتش را بسیج کردند

و به محل حادثه فرستادند و پسا بعضی از اظهارات مبنی بر اینکه تصادفی در کار نبوده بلکه ارتش ایران این‌ها را سرنگون کرده است، کذب محض بوده و ظاهراً اهالی منطقه کویر زودتر از ارتش از حادثه با خبر شده‌اند، لذا نفوذ نظامی آمریکا به ایران، با تنهایی ارتش صورت گرفته است.

موضوع مهمی که در این قسمت قابل ذکر است، نقش شوروی در قضیه کویر میباشد. شاید این سؤال برای همگان به وجود آمده باشد که آیا براستی شوروی از چند و چون قضیه بی‌خبر بوده است، این غول قدرتی که اگر پشهای در هوا بجنبد با رادارهای خود آن را تعقیب میکند چطور از وجود نیروهای آمریکایی در ایران بی‌خبر مانده است؟ آنهم نه نیروئی کم که نیروئی قابل توجه (۳۰۰۰ تفنگدار دریائی و ۲۵ هرکولس ۰۰۰۰) پس، تردیدی نیست که شوروی از ورود آمریکا به منطقه با خبر بوده است و نقل و انتقالات نظامی شوروی در مرز ایران نیز دلیل اطلاع وی از حضور نیروهای آمریکا بوده است و در حقیقت نوعی آمادگی برای عملکردهای بعدی آمریکا در منطقه، اما چرا شوروی در مقابل این تجاوز سکوت اختیار کرد؟ دلیل این امر را باید در مسئله افغانستان و گرفتن زهر چشم از ایران جستجو نمود.

ارتباط مسئله افغانستان با سکوت شوروی در مقابل این تجاوز، این است که شوروی می‌خواست از این طریق بگونه‌ای ایران را سرگرم کند تا فرصت توجه به مسلمانان افغانستان را نداشته باشد. *
از طرف دیگر پس از پیام نوروزی رهبر انقلاب و اعلام موضع کردن در مقابل کمونیسم بین‌الملل و مسئله را طوری نشان دادن که انگار دشمن اصلی ایران کمونیسم بین‌الملل است، شوروی می‌خواست بواسطه این حمله نظامی از ایران زهر چشمی گرفته شود تا خودبخود

* - این مسئله در مقاله چگونگی و انگیزه نفوذ نظامی آمریکا به ایران به خوبی بررسی شده است.

ایران بطرف شرق گرایش یابد .
بنابر این یکی از اهداف عمده آمریکا در رابطه با مانور نظامی
که از ورود ناو هوپما بر کانستبلیشن به آبهای اقیانوس هند شروع گردید
و تا نفوذ نظامی آمریکا به خاک ایران ادامه یافت ، نشان دادن قدرت
نظامی خود و بالا بردن ، پرستیژ خویش در این رابطه بود .

دوم - نشان دادن به غرب که وی باید از نظر اقتصادی به عنوان

دریچه اطمینانی برای ایران عمل کند :

این موضوع بازگشت می یابد به تجربیات آمریکا از تحریم
اقتصادی یک کشور ، آمریکا میدانست که اگر کشورهای اروپایی و آمریکا
دست بدست هم بدهند و مطلقاً ایران را تحریم اقتصادی کنند ،
ایران چاره‌ای نخواهد داشت ، جز اینکه به آغوش بلوک شرق پناهبرد .

تا قبل از واقعه کویر ، آمریکا توانسته بود پشتیبانی و همفازی بازار
مشترک را بدست آورد و حاکمیت اقتصادی خویش را نشان دهد اگر چه
نتوانست حاکمیت سیاسی خود را به اثبات رساند و در این امر بواسطه
وتوی شوروی در شورای امنیت شکست خورد . بنابر این اعلام حضور در
ایران و بیان کردن مانور نظامی خویش و آشکارا در مورد آن صحبت
کردن . (اشاره به سخنرانی کارتر در این مورد است .) همه و همه حاکی
از این روست که آمریکا میخواسته ، پایان مانور نظامی را لاقبل در این
مقطع اعلام کند ، زیرا که وی از نظر اقتصادی و از نقطه نظرهای دیگر
موفقیت بدست آورده بود ، اما آمریکا با مانور نظامی خویش و بدینوسیله
ایجاد تضاد ظاهری میان خود و اروپای غربی میخواست ، ایران راهم
چنان در اردوگاه غرب نگاه دارد به این مفهوم که پس از نفوذ نظامی ،
کشورهای اروپایی به این امر اعتراض کرده و آن را محکوم کردند و این
امریک تضاد ظاهری میان این کشورها با آمریکا پیش نبود تا برای ایران
دریچهای به جهان غرب گشوده گردد و آن در چهره کشورهای مذکور
بودند ، زیرا که آمریکا بخواهی میدانست اگر ایران در کوتاه مدت به طرف
اروپای غربی برود ، در دراز مدت بسوی آمریکا رفته است و ایران نیز

چاره‌ای غیر از این ندارد، زیرا هنوز نهادهای استحکام بخشیده امپریالیسم در داخل ایران وجود دارند و در بنیان آنها دگرگون‌ساز ایجاد نشده است. ایران از نظر اقتصادی وابسته همه جانبه به غرب است لذا استکه تمامی تلاش خود را روی این امر متمرکز ساخت تا از رفتن ایران بسوی اروپای شرقی در کوتاه مدت و بالاخره پناه بردن به دام شوروی در درازمدت، جلوگیری به عمل آورد. البته گو اینکه پس پیام نروزی رهبر انقلاب، خاطر آمریکا تا اندازه‌ای از عدم پیوستن ایران به بلوک شرق آسوده گردید اما برای هر چه محکم تر کردن موضوع به این حربه توسل جست تا ایران هم چنان در اردوگاه غرب باقی بماند. سوم - در نهایت، فایده دیگری را که مانور نظامی حاصل آورده بود باید در رابطه با مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری در آمریکا بررسی قرار داد:

اصولا رئیس جمهور در آمریکا طرفدار جناحی از طبقه حاکم است * نخستین مسئله‌ای که در این رابطه وجود دارد، مبارزات و رقابت انتخاباتی میان کارتر از حزب دموکرات و رونالد ریگان از حزب جمهوریخواه است، جمهوریخواهان طرفدار پنتاگون‌یسیم و جناح نظامی و دموکراتها طرفدار جناح نفتی‌ها هستند، مردم آمریکا هنگام آمریکا را از نظر پرستیژ قدرت در سطح پایین ببینند به جمهوریخواه متوسل می‌گردند و زمانی که قدرت نظامی برای آنان شکست بهار آورد، دموکراتها توسل میجوینند.

پس از تسخیر سفارت آمریکا در ایران و افول پرستیژ قدرت نظامی آمریکا، زمینه‌ای برای پیروزی جمهوریخواهان پدید آمد، لذا کار برای ترمیم این ضربه‌هایی که آمریکا خورده بود، از همان اوان کوشید با تمسک جستن به حربه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی، دیدگاه مردم را به حزب دموکرات جلب کند.

* - رجوع شود به جزوه مواضع کارتر و ریشه یابی آنها در منافع حاکمه آمریکا.

وا از طرف دیگر با مانورهای نظامی ، پشتیبانی و حمایت پنتاگون را بدست آورد و با اینکار خود به مردم آمریکا ثابت کند که وی همه کار میتواند بکند و در مواقع لزوم و هنگامیکه که قدرت ایجاد کند به حربه نظامی در کنار حربه حقوق بشر متوسل خواهد گردید . بنا بر این علیرغم تبلیغات رژیم ایران مبنی بر شکست آمریکا در رابطه با مانور نظامی ، باید چنین گفت که کار ترنه تنها شکستی نخورده بلکه در این رابطه پیروزیهای هم بکف آورده است .

ماحصل اینکه کشور آمریکا ، پس از ناامید شدن از عملکرد لیبرالیسم در ایران بعلت شکست این جناح ، برنامه های سه گانه خویش را آغاز نمود که عبارتند از :

مانورهای سیاسی ، اقتصادی و نظامی ، لکن آمریکا با مانورهای سیاسی زمینه ای جهت مانورهای اقتصادی و نظامی ایجاد میکرد و در نهایت منظور اصلی اش اعمال فشارهای اقتصادی بود که در این راه ، از مانورهای نظامی هم کمک میگرفت تا به اهداف مذکور دست یابد .

۳- به محاق کشیده شدن انقلاب ایران توسط آمریکا ؛

آمریکا برای جلوگیری و سد کردن راه نفوذ انقلاب ایران پیوسته دو هدف را تعقیب کرده است :

اول - تشدید تضادهای داخلی

دوم - تشدید تضادهای خارجی

تا بدین وسیله ایران را سرگرم مسائل خودش کند و از صدور انقلاب جلوگیری بعمل آورد . ما این مسئله را قبلا بطور مفصل مورد بررسی قرار داده ایم .^۱ لکن اینک بواسطه پارامترهای جدیدی که وارد موضوع شده اند ، بار دیگر آن را تحلیل میکنیم .

گفتیم که آمریکا برای جلوگیری از اثرات نفوذ انقلاب ایران به سایر کشورهای منطقه متوسل به تضادهای داخلی و تضادهای خارجی میگردد ، از جمله این تضادهای داخلی مسئله دانشگاه و کردستان و

* - رجوع شود به مقاله "قطع رابطه با آمریکا نوید بخش پیروزی یا شکست"

"آرمان مستضعفین شماره ۳۴"

انفجارهای داخلی ایران است.

هیئت حاکمه ایران در رابطه با این موضوع توانست به انسجام ارتش دست یابد که در دراز مدت به فتح آمریکا بود. توسط دانشگاه به بسیج توده‌ای، اما آمریکا از یک روش دیگر نیز سو استفاده جست و آن توسل به انفجارهای داخلی در ایران بود که حال این انفجارها توسط عراق انجام گرفته باشد یا دیگر عمال امپریالیسم آمریکا، به حال وی تفاوتی نخواهد داشت. آنچه برای او از اهمیت اساسی برخوردار است تشدید تضادهای داخلی در ایران میباشد.

از طرف دیگر آمریکا با تشدید تضاد خارجی به جلوگیری از اثرات نفوذ انقلاب ایران کمک نمود، که این تضادهای خارجی عبارتند از تضاد ایران با عراق و از طرف دیگر اشغال سفارت ایران در لندن که توسط عمل اخیر، آمریکا در نظر داشت پرستیژ ایران را خرد کند، چرا که ایران بواسطه اشغال سفارت آمریکا در داخل خاک خود، دیگر نمیتوانست از نظر حقوق بین الملل این عمل را (اشغال سفارت ایران در لندن)، محکوم نماید.

تضاد دیگری که وجود دارد و آمریکا به آن دامن میزند، تضاد میان لیبرالیسم مذهبی و ارتجاع مذهبی است. ارتجاع مذهبی با تکیه بر رهبران انقلاب دارای پایگاه توده‌ایست که لیبرالیسم این پایگاه را تا این اندازه نتوانسته، گسب کند، و لیبرالیسم مذهبی تکیه بر ارتش دارد. از این رو به دلایلی که قبلاً ذکر گردید، آمریکا لیبرالیسم مذهبی را جای پای محکمی برای خود تشخیص داده است. لذا است که میکوشد از طریق دامن زدن به تضاد این دو جناح از هیئت حاکمه گفنه ترازو را بسود لیبرالیسم مذهبی، (نماینده بورژوازی) تغییر دهد. چرا که با توجه به خصوصیات لیبرالیسم مذهبی، وی مایل است که بواسطه وابستگی نهادهای ملیتاریزم، بوروکراسی و تکنوکراسی به آمریکا، سرعت روابط خویش را با این کشور بهبود بخشد.

و تنها از اینکه سیاست خارجی ایران تحت الشعاع عملکرد دانشجویان اشغال کننده سفارت قرار گرفته است، رنج نمی برد.

لیندا ، لیبرالیسم مذهبی با تمام قولی کوشد که این ارگان را نیز در دست خویش بگیرد اما ارتجاع مذهبی به واسطه تضادی که با او دارد از این کار ممانعت بعمل می آورد .

نتیجتاً ، لیبرالیسم بهترین جای پا برای امپریالیسم آمریکا در ایران است و آمریکا سعی میکند که جناح لیبرالیسم را روی کار بیاورد ، تا خود را با او رویاروی قرار دهد و مسائل و معضلات میان خود و ایران را به سرعت حل کرده و روابط خود را با ایران بهبود بخشد :

لیبرالیسم مذهبی نیز حرکتی را که در جهت تشبیت قدرت خویش آغاز نموده است و از آن جمله است ؛ سرکوب خلقها و حمله به دانشگاه که در این امر ارتجاع مذهبی نیز با او همداستان گردیده است .

لذا لیبرالیسم مذهبی تلاش میکند تا تمرکز قدرت بوجود آورد

و این امر نهایتاً " به سود آمریکا است .

تحلیل فوق یک جمع بندی از کلیه تحلیلهای گذشته است . لذا

این تحلیل بایستی همگام با دیگر تحلیل ها و بررسی ها مورد مطالعه

قرار گیرد که فهرستی از این تحلیل ها در آغاز بحث ذکر گردید .

والسلام علی من اتبع الهدی "

۱۵ اردیبهشت ماه ۵۹

سازمان رزمندگان پیشگام مستضعفین ایران .